



۲۰۱۷/۰۷/۲۳



عزیز احمد نوری

## به مناسبت دهمین سال وفات اعلیحضرت محمد ظاهر شاه



### ندای ملت

مخمس بر غزل "حافظ شیراز"

نوای نو آمد، پیام شاه رسید      صلاى وحدت از آن سایه خدا رسید  
درین شب تاریک ما، فروغ ماه رسید      "بیا که رائیت منصور پاد شاه رسید"  
" نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید"

تبصره ناشر: این سروده عالی را زنده یاد جناب عزیز احمد نوری در سال ۲۰۰۲ میلادی هنگامی سرودند که همه رسانه های چاپی، سوتی و تصویری جهان اعلان کردند که اعلیحضرت محمد ظاهرشاه، پادشاه افغانستان به سوی کشور محبوبش تشریف میبرند. در همان وقت این سروده که از هر کلمه، از هر بند و هر مصراع آن عشق وطن فوران دارد، برای بار اول در اکثر روزنامه های چاپی و بعضی سایت های اینترنتی نشر شد. برای بار دوم هنگام درگذشت اعلیحضرت در ۲۷ جولای ۲۰۰۷ مجدداً بنشر رسید و اکنون برای یاد بود از دهمین سال وفات اعلیحضرت مجدداً به نشر می رسد. ولی احمد نوری

## ندای ملت

مخمس بر غزل "حافظ شیراز"

نوای نو آمد، پیام شاه رسید      صلاى وحدت از آن سایه خدا رسید  
درین شب تاریک ما، فروغ ماه رسید      "بیا که رایت منصور پاد شاه رسید"  
"نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید"  
امید تازه از آن در دل خراب انداخت      به ساغر تُهی ما، فلک شراب انداخت  
به تار قلب حزین، زخمه رباب انداخت      "جمال بخت ز روی ظفر نقاب انداخت"  
"کمال عدل به فریاد داد خواه رسید"  
ز پیر میکده دیشب چنین صدا آمد      به گوش جان ز سوی هاتف این صدا آمد  
صدای نغمه شادی ز هر کجا آمد      "سپهر دور خوش اکنون کند که ماه آمد"  
"جهان به کام دل اکنون رسد که شاه رسید"  
شها بیا که دیگر حقد و کینه و ریمَن      بسوخت قلب عدو را چو اخگر روشن  
که تا شنیده ندای تو ای شهه مؤمن      "ز قاطعان طریق این زمان شوند ایمن"  
"قوافل دل و دانش که مرد راه رسید"  
کی بوده کس به عهد تو آواره و حزین      بودند مردمان به عزت و راحت قرین  
نه درد بود و رنج و نی حسرتی مُبین      لیکن ز دوریت رسید به هر کس یقین  
"همان رسید کز آتش به برگ کاه رسید"

شها ببین که وطن کوره مذاب شده      بیا ببین که همه مردمان عذاب شده  
تمامیت و وحدت وطن سراب شده      ببین که کابل زیبای ما خراب شده  
بهار حسرت گل رفت و تیر ماه رسید

اگر تو نجبی زجا وطن خراب کنند      دل همه ابنای میهنی کباب کنند  
مظالم و ستم و جور بی حساب کنند      به جام اجنبی از خون ما شراب کنند  
بیا بیا که از ته دل دود آه رسید

\*\*\* \*\*

توضیح شاعر:

این فریاد دل را من در سال ۲۰۰۲ سرودم، وقتی شنیدم که اعلیحضرت بابای ملت "پادشاه افغانستان" به طرف وطن می روند. و مثل صد ها هزار هموطنم این آرزو را به دل می پروراندیم که بالاخره دعای ما مستجاب درگاه ایزدی شده است و ناجی کشور می آید و زعامت افغانستان را بدست می گیرد و این کشتی شکسته را به ساحل صلح و امن می رساند، ولی دیدیم که توطئه های دشمنان داخلی و خارجی مانع آن گردید. این پارچه را به برادر فاضلم ولی احمد نوری اعطا می نمایم تا در کتاب (شاه و مردم) خود از آن استفاده نماید. با احترام

عزیز احمد نوری - الکسندریه ، ورجینیا - اتازونی - ۲۷ جولای ۲۰۰۷م